

نگارشی از سخی صمیم.

افکار و نظریات این قلم انفرادی و منحصر بفرداشت ولی اجابت آن اختیار نیست.  
\*\*\*

# واکاوی بر کار بُر دانتقاد و چگونگی ردّ و پذیرش آن

\*\*\*

## بایسته های بر رویکرد انتقاد بر مبنای ضرورت روز

انتقاد جستجو و پیدا کردن عیب و آشکار ساختن آنست:  
اگر روش نقد کردن طور خالصانه و بدون انحراف در کار بُرد آن و پیدا کردن عیوب و  
برملا سازی نواقص بکار گرفته شده و طور سالم به مفهوم واقعی معنا استعمال شود - مفید  
و ارزنده بوده برای جانبین (ناقد و انتقاد شونده) بی فایده و مفاد بوده نمی تواند، بدین لحاظ  
انتقاد می تواند در حالات مختلف چون ساحات فرهنگی و کلتوری، اعمال و کارکرد های  
فزیکی، معنوی و مجازی و غیره و غیره بدو نوع ایجاد شود:

۱ - انتقاد سالم

۲ - انتقاد غیر سالم

اول همان انتقاد سالمی را در نظر می گیریم که مطابق نورمهای قبول شده و مشروع قبول  
شده البته ما سوای هیچگونه انحراف و چون چرای جانبدارانه و یا منافع شخصی و گروهی  
که توأم با عناد و ملاحظات منفی نباشد و معادلات فهم و دانش و تخصص در آن رعایت و  
ورود ناقد بر فهم مرجع و اصل متون انتقاد قابل اطمینان باشد و نزد ناقد این توانانایی  
عقلانی نیز وجود داشته باشد که انسانهای غیر حرفوی و غیر تخصصی در امور مربوط که  
توانایی و علمیت آنها ندارند نباید بکار برد انتقاد دست یازند زیرا اگر بگونه یک تصویر  
ملیح بپذیریم « انسانیکه روشن کردن رادیو برایش مشکل باشد نمیتواند بالای تخنیک یک  
هوا پیما و یا اجناس تخیکی پیچیده روز ابراز نظر نموده و تخنیک آن را ناقص و نابکار  
بخواند، در غیر آن انتقاد سالم نبوده و چنین انتقادی ایجاب پاسخ هم نمی کند  
بر پندار من؛ در این زمینه بایست مطالب آتی تا اندازه توان فکری به بررسی گرفته  
شود!

## ابتدایشخصیت ناقد را مشخص باید ساخت:

مشروعیت نقد و انتقاد با تحولات عصر و زمان و آزادی های بی قید و شرط نوشتاری و  
گفتاری بویژه در دنیای مجازی کنونی بگونه عجیبی در جریان بوده و حتی شرایط تحدید  
شده نورمهای فرهنگی و احکام قوانین زیر سوال رفته است.

آنچه در حالت مشهود و معلوم به حکم دید عملی که تعدادی از فلمهای نمایشی و بسا هم نشر و پخش متون نوشتاری و گفتاری در صفحات مجازی دیده میشود بصورت تقریبی از دایرهٔ ادب و حرمت بیرون بسته و دامنهٔ آن وسعت هم می‌یابد که این زشت نویسی‌ها تا عقده کشاییهای خلاف آداب و حرمت انسانی و فحش و ناسزا گفتن‌ها و نوشتن‌ها سبب شده است که فرهنگ عفت قلم بصورت چشمگیری خدشه دار و هر قلم و ایده و اثر اویده‌های فقط مغز خودی بدون سره و کنترل و بیاندیشهٔ داخلی یا محل زندگی داخلی (وطنی) و یا هم نظر داشت کلتور و اصول پذیرفته شدهٔ خارج جغرافیای میهنی از خود راه و روشی می‌گزینند و راه خود پذیری برای خویش می‌گمارند.

اینک بر مبنای این تذکر مختصر چطور میشود منتقد را درک و شناخت و بر انتقاد آن نظری انداخت و آن را بر رسی نمود:

\*\*\*

### شیوه و طرق ممکن برای شناخت منتقد:

- ۱: اگر ناقد شخصیت مشهور و معلومی باشد در چنان حالتی بررسی انتقاد برای پیدا کردن سوئیۀ دانش و فهم منتقد کافیهست که در مقایسه به متن اصل انتقاد و نظر اقامه شده ایشان در یابیم که:
- ناقد از متن اصل انتقاد چی برداشتی داشته و آیا مطلب اصل را بدرستی در ذهن به تصویر گرفته و نادرستی‌ها را بطور درست در یافته اند و در ادامهٔ این رویکرد نواقص و کمبودات آن را برجسته و حاشیه داده اند اگر واقعن چنین امری اتفاق افتاده باشد پس میشود انتقاد را هم وارد و هم بجا تلقی کرد و آن را با احترام پذیرفت و دربارهٔ آن تصمیم بعدی گرفت -
- ۲: طرز نبشتهٔ ناقد و شیرازه بندی جملات ایشان که گره خورده با اصل مطلب باشد در این صورت می‌توانیم انتقاد را مدد رسان دیگری به اصل مطلب بخوانیم و برای تقریب رسیدن به سلامت انتقاد و داوری بیغرضانه به آن عادلانه داوری و به آن حرمت گذاریم.
- ۳: به ارتباط فهم و دانش منتقد با در نظر داشت دانش مسلکی ایشان که ناشی از تجارب مسلکی و شیوهٔ کار و فهم مسلکی و هم تجارب کار تخصصی ایشان در این راستا باشد برای رسیدن به هدف بی تأثیر بوده نمی‌تواند
- ۳: محتوای متن ارائه داشتهٔ منتقد در برابر متن اصل میتواند در صورتیکه بیغرضانه باشد تعیین کنندهٔ اهداف ایشان گردد که شرح بیشتر را در آینده این نوشتار ملاحظه خواهید فرمود.

### چگونگی انگیزه‌ها برای ایجاد انتقاد:

یکی از مبرمترین سبب ایجاد انتقاد همانا انگیزه‌ها و بایسته‌های این تفکر است که محرکهٔ عمل خلق می‌کند و عامل رابه ایجاد آن مکلف می‌سازد و این تحرک درونی در بدو امر بدو نوع ایجاد و این هر دو «پیدا و پنهان» چنین اشاعه می‌یابد:

**اول: انگیزه‌های مثبت با اهداف شریفانه؛**

پیدای این رویکرد از عدم و پنهان - یابانیت خیر و صلاح است که بمنظور اصلاح و پوره ساختن کمبودات مطلب محوری آفرینندهٔ اصل تبارز می‌کند که در حقیقت اهداف بهی خواهانه و مدلل دارد و نکات منفی را در کار کرد آن جایی نیست برای اینکه انتقاد فقط برای ادای رسالت علمی و فهم و دانش منتقد است که میخواهند ادای دین نمایند تا نویسنده یا

ایجاد گر اصل در مطلب محوری خود کمبودات را پوره و کم و کاست را اصلاح بدارند در این صورت انتقاد و جوب رعایت حرمت را می نماید در صورتیکه از طرف مرجع انتقاد پذیرفته شود:

البته این پاسخ می تواند بصورت دوگانه ظهور و تبارز کند:

الف: اینکه ایجاد گر اصل مطلب انتقاد را با کم و کیف آن وارد دانسته محتوای آن را می پذیرند و به اصلاح نواقص اقدام و تمکین می کنند و جوب شکران را از این رهنمایی رهنما دریغ نمی فرمایند.

ب: عدم پذیرش انتقاد است که ایجاد گر اصل بر عمل و آفریده خود تأکید و دلایلی دایر بر وارد بودن آن ارائه می دارند که می تواند پاسخگوی مثبت و یا باز هم منفی غیر وارد بر انتقاد و رو نوشت منتقد باشد:

درینصورت لازم خواهد بود که در باره این عملکرد هامطابق به روش معمول فرهنگی یا حکمیت قانونی که در آن الزامیت شامل و یا تقاضای خود مانی با محور رضائیت راه کار داشته باشد و وسیله هیأت داور از مرجع مجاز و خواسته شده به راه اقتد تاحقیقت اصل روشن و پذیرفتنی گردد.

## دوم: انگیزه های منفی با ابعاد مختلف آن؛

این نوع انتقاد ها با علل و انگیزه های مختلف اما غیر مجاز استوار و تکیه بر گرایشهای منفی داشته و با اغراض و علاقه های گوناگون همراه می باشد:

۱ - گاهی دیده می شود که انتقاد از دید محتوا و شیوه نوشتاری با اصل مطلب هیچگونه همخوانی ندارد، متن انتقاد اهداف دیگری را می رساند ولی منظور منتقد بر رؤیت روال نبشته او فقط تخریب ایجاد گر اصل بوده که به این شیوه و یا طریق میخواهد ضرر معنوی و فرهنگی برای آفریننده اصل وارد سازد.

این بخشیکه تذکر مختصر یافت موضوعات مشخصتری را در زیر چتر خویش دارد که میخواهم بقدر توان به آن بپردازم:

## ۲ - انتقاد های جاه طلبانه اما انحرافی:

عده از منتقدین که اکثریت شان وابستگی خاص دارند خود هارا شخصیت های چیز فهمی جا می زنند و با بلند پروازی ها از زمین تا آسمان گز می کنند با وجودیکه املا و انشأ شامل انتقاد جایگاه شخصیت ایشان را برملا و هویدا می سازد -

چنانچه همین اشخاص زمانیکه تصمیم به انتقاد می گیرند بمجرد دیدن مطالب نوشتاری و یا استماع مطالب صوتی و تصویری قبل از ورود به هدف یا اهداف و یا درک اصل مطلب علی الفور بدون هیچگونه تأمل و تفکر دهن به گفتن و قلم بر نوشتن بر می دارند و بر انتقاد کمر می بندند آنگاه کاغذ سیاه و به اینگونه هدفی را تعقیب می کنند که به نفع مرجع عضویت خویش که کارت تابعیت دارد تمام شود و در جنب این هدف - خود را نیز مطرح می سازند. ولی زمانیکه انتقاد مطروحه مشاهده میشود (منکه دیده ام خداکند شمائینید)

چیزی می نویسند که (ده کجا و درختها کجا) که در این حال آن بیچاره ایجاد گر اصل حیران و سر گیچه است که با تبارز چنین دل نبشته ها چه می توان کرد؟ (خاموشی بهترین پاسخ است).

## گرایشهای گروهی، سازمانی و یاسایر وابستگی ها:

انتقاد و نقدیکه گفته آمدیم تا جاییکه دیده شده متکی بر وابستگی های مختلفی صورت می گیرد که هیچگاهی مکتوم و مستور نمی ماند و یا آن درک میگردد و یا با مطالعه یک یا دوسطر نبشته ها اهداف آن در یافت و منظور نویسنده پیدا می شود: زیرا در این حالت نویسنده (ناقد) متوجه مطلب اصل مطروحه نبوده و تنها متوجه رساندن اهداف خویش بگونه جانبی و یا رُک و راست می باشد تا آن را رکلام نماید ولی ب فکر و اندیشه ی آن نیست که این اهداف بازار دارد و یا خیر؟ اگر بخواهد چنین احساس را بخود راه ندهد ب فکر اغفال خود است. دقیق باید بود که چنین رویداد ها به دونهوع ایجاد و تبارز می نماید:

الف: بصورت انفرادی

ب: بصورت سازماندهی شده و سازمانی

اما بدترین اهداف را در این راستا می توانیم موجودیت گرایشهای لسانی، قومی، سمتی، منطقه ی ایدیولوژیکی و امثال آن که شامل آمار شود و خطر سم پاشی نیز در آن شامل و موجود باشد خیلی ها کشنده و خطر ناک است ببینید؛ زمانیکه دانشمندی کتابی می نویسد، مطلبی ارائه می کند، در تالار و متنگی سخن می راند، در تلویزونی صحبت می کند و یا در مباحثی اشتراک می نماید (ویا مطالب دیگری از این قبیل) - بدون هرگونه تشریفات و یا پرده کشی درک می کنیم که در این گُنش ها چه واکنش هابرای اشخاصیکه ذکرش رفت ایجاد می گردد که نتایج اهداف منزله خویش را می بیند و تحقیر و توهین می شود درک بیجا نیست اگر گفته شود که قبل از ایجاد و یا دید چنین عملکرد ها پلانهای قبلی آماده میگردد تا به اجرا گذاشته شود. و هم حالات مشدده در چنین حالات زمانی اوج می گیرد که واکنشها توأم با تعصب های شایع و زجر دهنده همراه گردد.

## انتقادهای کنایی و معرف:

در این اواخر دیده میشود انتقاد های عجیب دیگری معمول و اجرا میشود که از محل انتقاد و یا شخص انتقاد شونده نامی برده نمیشود ولی بطور کنایی و یا اشارات مُعرف عقده دل می گشایند و آنچه میخوانند می نویسند و میگویند و این روش همانطوریکه گفتم زیاد تروسیله احزاب و بعضی اعضای آنها علیه همدیگر و یا اشخاص مشهور و معلوم همدیگر خُرده می گیرند و آنها را در اهداف و کارکرد های انجام یافته و گذشته شان مقصر می شمارند. که در چنین رویکرد ها نه دآوری وجود دارد و نه هم هیأت منصفه ی که نتیجه گیری و ملامت و سلامت آنها معلوم شود و این نتیجه از منظر عدالت و اخلاق دایر بر تعهد قبلی همه جانبه پذیرفتنی و قابل قبول باشد و بر همین منوال شیوه کنایه نویسی منحصر به نهاد ها و سازمانها نبوده و این عمل را به آدرس های اشخاص مختلف نهاد ها و انجمن ها و غیره و غیره دیده می توانیم.

انتقاد های بی هدف:

عده هستند که هیچگاهی لنگر و وزن ایشان تشخیص نمیشود چنین انسانها به زعم خود شان آزاد نویس و فرامسئولیت و نظام فرهنگی هستند، هرچه دل شان شد می نویسند هرچه خواستند می گویند و بفکر مسئولیت و قیود فرهنگ و ادب نیستند جالب این است که خودشان هم نمی دانند که چه می نویسند و چه نوشته اند و تشویش چگونگی نبشته خود را هم ندارند. اینگونه رویکرد قابل رؤیت بوده در صفحات مجازی زیاد تردیده می شود.

### گفتنی اخیر و نتایج این مبحث:

اختصار و مؤجز از مطالب و اهداف این نبشته را اگر از دیدگاه عدالت اجتماعی بر مبنای رعایت حقوق افراد و یا اتلاف حقوق تعداد دیگری جهت رعایت کسب منافع فردی یا گروهی در نظر داشته مصداق اصل این نگارش را بررسی و صادقانه حکمیت نماییم درمی یابیم که مبرمترین رعایت عدالت و تلخترین نقض عدالت از این دایره خارج نمی باشد البته مندرجات همین بحث اختصاصی دایره بر نقد و انتقاد که تشریح شد، بدین بنیاد این بحث هم در پژوهش فعلی شامل گردید.

نویسنده بااستنتاج از این مبحث از ذواتیکه خواننده دایمی و عمومی و صاحب نظران دویستانه می طلبد که با مواجهه به جهات منفی چنین رویکرد ها به رد و تردید آن واکنش داشته و با جهات مثبت آن از روی مهر و لطف در همه عرصه ها همکار بر عدالت و یار و یاور حق و حقیقت گردند. با حرمت سخی صمیم.